

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لنبن ، ماه می ، ۱۸۹۶
فرستنده: حزب کار ایران (توفان)
۰۲ می ۲۰۱۴

اول ماه می -- روز تعطیلی کارگران

رفقاء، بیانید نگاه دقیقی به شرایط زندگی مان بیندازیم؛ بیانید جومحیطی که روزمان در آن سپری می شود را بررسی کنیم. ما چه چیزی را می بینیم؟ ما سخت کار می کنیم؛ ما ثروت نامحدودی تولید می کنیم، طلا و پارچه های قیمتی، گلدوزی و مخمل؛ ما آهن و زغال از عمق زمین بیرون می کشیم؛ ماشین آلات و کشتی و قلعه و راه آهن می سازیم. تمام ثروت جهان به دست ما تولید می شود و با عرق و خون ما به دست آمده است. و پاداش مان از کار سختی که انجام می دهیم چیست؟ اگر عدالتی در کار بود ما می بایست در خانه های خوب زندگی می کردیم، لباس خوب می پوشیدیم و در هیچ شرایطی نباید پاداش ما تکه نان روزانه باشد. اما همه ما بخوبی می دانیم که مزد مان بسختی کفاف زنده ماندمان را می دهد. کارفرمایان حقوق ما را کاهش می دهند، ما را مجبور به اضافه کاری می کنند و به ناحق ما را جریمه می کنند. در یک کلام، آنها از تمام طرق به ما ظلم می کنند و در صورت ابراز نارضایتی، فوراً ما را از کار اخراج می کنند. ما بارها و بارها کشف کرده ایم که کسانی که ما برای حمایتان به آنها مراجعه می کنیم دوستان و سر سپردگان کارفرمایان هستند. ما، کارگران در جهل نگه داشته شده و از آموزش محروم شده ایم که مبدا بیاموزیم برای بهبود شرایط مان باید مبارزه کنیم. آنها ما را به بردگی کشیده اند، ما را با کمترین بهانه از کار اخراج می کنند و هرکسی را که در مقابل ظلم بایستد زندانی کرده و یا به تبعید می فرستند و ما را از دست زدن به مبارزه منع می کنند. ناآگاهی و بردگی – اینها شیوه هائی هستند که سرمایه داران و حکومتی که همواره حامی آنهاست برای به انقیاد کشیدن ما به کار می گیرند.

ما برای بهبود شرایط، برای افزایش حقوق، برای کوتاه نمودن ساعات کار، برای حفاظت خود در مقابل بد رفتاری، برای مطالعه کتب آگاهی بخش و سودمند چه روشهائی را باید به کار بگیریم؟ همه به ضد ما هستند -- کارفرمایان (زیرا هرچه ما وضعیت بدتری داشته باشیم، آنها زندگی بهتری خواهند داشت)، و همه سر سپردگان شان، همه آنهائی که از سر صدقه سرمایه داران زندگی می کنند و سربه فرمان آنها دارند، ما را در ناآگاهی و اسارت نگه می دارند. ما نمی توانیم دست کمک به هیچ کسی دراز کنیم؛ ما می توانیم بر خودمان تکیه کنیم. قدرت ما در جمع ماست؛ رهائی مان در اتحاد، در استواری، و در مقاومت پر تحرک در مقابل استثمارگران است. استثمارگران بر این امر مطلع اند، و تلاش کرده اند که به هر وسیله ای ما را از هم جدا نگهدارند، و اجازه ندهند که به این درک برسیم که ما کارگران، منافع مشترک داریم. آنها حقوق کارگران را کاهش می دهند، نه همه را همزمان، بلکه یکی یکی. آنها سرکارگر برای ما درست می کنند، مقاطعه کار راه می اندازند؛ آنها به این که ما چگونه در کار عرق می ریزیم

نپشخند می زنند ، و حقوقمان را خرده خرده کاهش می دهند. اما این جاده ای است طولانی که راه برگشت ندارد. برای تحمل و طاقت حد وجود دارد در طول سال گذشته ، کارگران روسیه به کارفرمایان نشان دادند که اسارت برده وار می تواند به شهادت مردانی تبدیل شود که حاضر نیستند خود را به وقاحت سرمایه داران حریصی که کار بدون مزد از ما می کشند، تسلیم کنند.

اعتصابات متعددی در شهرهای مختلف صورت گرفته اند ، در یاروسلاول ، تایکوف ، ایوانف - وزنسنسگ ، بلاستوک ، ویلنا ، مینسک ، کی یف ، مسکو و چندین شهر دیگر . اکثر این اعتصابات با موفقیت پایان یافتند ، حتی اعتصابات غیر موفق هم فقط ظاهراً غیر موفق هستند. در واقع، این اعتصابات کارفرمایان را شدیداً به هراس می اندازند ، به آنها خسارات زیادی وارد می آوردند ، و از ترس اعتصابات تازه آنها را مجبور به امتیازدهی می کنند. بازرسان کارخانه هم به تقلا می افتند و خشنودی سرمایه داران را در چشمانشان می بینند . این بازرسان کور خواهند ماند تا زمانی که چشمانشان توسط کارگران فراخوان دهنده اعتصاب باز شوند ، در واقع تا زمانی که متوجه سوء مدیریت در کارخانه هائی که در تملک شخصیت های تأثیر گذار مانند آقای تورن تون هستند و یا سهامداران کارخانه پوتیلوف ، بشوند.

ما در سنت پیترزبرگ هم برای مدیران درد سر ایجاد کرده ایم. اعتصاب بافندگان کارخانه تورن تون ، اعتصاب کارگران دخانیت در کارخانه های لافرم و لیدف ، اعتصاب کارگران کفاشی ، آژیتاسیون در بین کارگران کارخانه های کنیگ و وارونین و همچنین بین کارگران بار انداز کشتی ، و در آخر اغتشاشات اخیر در سستوررتسک ، همه ثابت کرده اند که ما راه مبارزه را برگزیده ایم. و دیگر نمی خواهیم قربانی مطیعی باشیم . همانطور که خیلی ها می دانند کارگران بسیاری از کارخانجات و کارگاه ها به تشکیل " اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر" دست زده اند که هدف آن افشای هر نوع بد رفتاری ، ریشه کن کردن سوء مدیریت ، مبارزه علیه سرکوب و قبحانه توسط استثمار کنندگان بی وجدان ، و دست یابی به آزادی کامل از اسارت آنها می باشد. این "اتحادیه" دست به پخش اعلامیه در محلهای مختلف می زند و سبب می شود که لرزه بر اندام کارفرمایان و سر سپردگان ارادتمند آنها بیفتد. این خود اعلامیه ها نیستند که آنها را می هراسانند بلکه امکان مقاومت متحد ما و نمایش پر قدرت توان ما - که ما بارها آن را به آنها نشان داده ایم- است که موجب می شود که آنها بر خود بلرزند. ما کارگران اعضای " اتحادیه " در سنت پیترزبرگ از همکاران دیگرمان دعوت می کنیم که به "اتحادیه" بپیوندند تا امر مهم متحد کردن کارگران در مبارزه برای منافع خویش را به پیش ببرند. وقت آن رسیده است که ما کارگران روسیه زنجیر های اسارتی را که سرمایه داران و حکومت برای به انقیاد در آوردن ما به کار گرفته اند در هم شکنیم. وقت آن رسیده است که ما به مبارزه برادرانمان ، کارگران سرزمینهای دیگر، بپیوندیم و در زیر یک پرچم مشترک ، پرچم " کارگران جهان ، متحد شوید " در کنار آنها باشیم. در فرانسه ، بریتانیای کبیر ، آلمان ، و سرزمین های دیگر ، کشورهائی که کارگران هم اکنون در اتحادیه های قدرتمند با هم متحد شده اند و به حقوق متعددی دست یافته اند ، کارگران روز ۱۹ اپریل [اول ماه می - قبل از انقلاب اکتوبر تقویم روسیه ۱۳ روز عقب تر از اروپای غربی بود] را به عنوان روز تعطیل عمومی به رسمیت شناخته اند.

در این کشورها ، کارگران کارخانه های دودآلود و بی روح را رها کرده و در خیابانهای اصلی شهرها در صفوف منظم رژه می روند و قدرت روز افزون خود را به کارفرمایان نشان می دهند ، آنها جلسات متعدد و بزرگ برگزار می کنند و در باره پیروزی های سال قبل شان به سخنرانی می پردازند و برای مبارزه در سال آتی برنامه ریزی می کنند. به خاطر ترس از اعتصاب ، هیچ کارخانه داری جرأت جریمه کردن کارگری را برای غیبت در این روز، ندارد. همچنین در این روز، کارگران مطالبه اصلی خود : ۸ ساعت کار در روز ، را به کارفرمایان یاد آوری می

کنند- ۸ ساعت کار، ۸ ساعت خواب ، ۸ ساعت استراحت. این آن چیزی است که کارگران کشورهای دیگر مطالبه می کنند. زمانی بود، نه چندان دور ، که آنها ، مانند ما امروز ، این حق را نداشتند که نیازهایشان را مطرح کنند. آنها هم مانند ما به خاطر فقر خُرد شده بودند و مانند وضعیت امروز ما ، فاقد هر نوع اتحادی بودند. اما آنها با مبارزه سرسخت و از خودگذشتگی زیاد حق بحث و مطرح کردن جمعی امور کارگران را به دست آوردند. ما بهترین آرزوهایمان را برای برادرانمان در سرزمین های دیگر داریم که مبارزه شان هر چه زودتر به پیروزی مورد نظرشان برسد و زمانی فرا رسد که نه ارباب باشد و نه برده ، نه کارگر باشد و نه سرمایه دار ، اما همه مانند هم کار کنند و همه مانند هم از زندگی لذت ببرند.

رفقاء ! اگر ما با حرارت و صمیمیت تمام برای متحد کردن کارگران تلاش کنیم ، زمان دوری نخواهد بود که ، پس از سازمان دادن نیروهایمان در صفوف منسجم ، بتوانیم به طور آشکار با کارگران همه کشورها ، صرف نظر از نژاد و عقیده در مبارزه شان علیه سرمایه داران همه کشورها متحد شویم و با زوری پر قدرت ما افراشته شده و زنجیرهای ننگین اسارت از هم بگسلند. کارگران روسیه به پا خواهند خاست و سرمایه داران و حکومتی که همیشه خدمتکار آنهاست ، گرفتار قهر خواهند شد.

لنین ، ۱۹ اپریل ۱۸۹۶

اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر

ترجمه و تکثیر از حزب کار ایران (توفان) به مناسبت اول ماه می